



دانشکده علوم اجتماعی و علوم ارتباطات

بررسی نقش سیاستگذاری دولت بر ساختار خانواده در ایران
(با تاکید بر دوره زمانی پس از انقلاب اسلامی)

استاد راهنما: جناب آقای دکتر طالبی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر پناهی

دانشجو: پرنگ نیاکان

دوره: کارشناسی ارشد

رشته: مطالعات فرهنگی

صلاة الاضلاع

دانشکده علوم اجتماعی و علوم ارتباطات

بررسی نقش سیاستگذاری دولت بر ساختار خانواده در ایران
(با تاکید بر دوره زمانی پس از انقلاب اسلامی)

استاد راهنما: جناب آقای دکتر طالبی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر پناهی

دانشجو: پرنگ نیاکان

دوره: کارشناسی ارشد

رشته: مطالعات فرهنگی

چکیده

با شکل‌گیری دولت مدرن قدرت تاثیرگذاری این نهاد اجتماعی بر سایر نهادها افزایش یافت. دولت از طریق سیاست‌گذاری‌های خود می‌تواند تغییراتی مهم و بنیادی در جامعه ایجاد کند. در کنار دولت، خانواده نیز به‌عنوان یک نهاد تاریخی همواره نقش مهمی در زندگی افراد جامعه دارد. رابطه سیاست‌گذاری‌های دولت با تغییرات خانواده مساله محوری این پایان‌نامه است.

به‌نظر می‌رسد که خانواده در ایران فضای اجتماعی زیادی را به‌خود اختصاص داده است. افراد بسیاری از نیازهای اجتماعی خود را درون خانواده برطرف می‌کنند. این درحالی است که دولت با وجود تاکید فراوانی که بر استحکام نهاد خانواده دارد، سیاست‌های حمایتی منظم و همه‌جانبه‌ای در مورد خانواده ندارد. درک دولت از خانواده ایرانی درک تقلیل‌گرایانه‌ای است. بخش‌های مهمی از آنچه در این‌جا به عنوان واقعیت خانواده شناخته شده، از نگاه دولت پنهان مانده است.

عدم سیاست‌های حمایتی دولت از خانواده، این نهاد را در وضعیتی قرار می‌دهد که از آن تحت عنوان بحران خانواده نام برده می‌شود. طبق یافته‌های این پژوهش، در واقع آنچه خانواده درحال تجربه کردن آن است بحران نیست؛ بلکه تغییر در فرم این نهاد است. خانواده همواره نقش خود را در زندگی افراد حفظ کرده است و ضرورت حضور آن در میان افراد جامعه دیده می‌شود. فرم خانواده‌ای که سیاست‌های دولت در راستای آن شکل گرفته است؛ نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای افراد جامعه باشد. به همین دلیل خانواده به دور از این سیاست‌ها تکثر پیدا کرده و در فرم‌های متنوعی تجلی یافته است.

یافته‌های این پایان‌نامه از طریق تحلیل اسنادی و تاریخی گردآوری شده است. سپس از طریق مصاحبه عمیق با 24 خانواده فرم‌های جدیدی از زندگی خانوادگی شناسایی و دسته‌بندی شده است.

فهرست

فصل اول:

1..... کلیات

فصل دوم : مبانی نظری

13 1-2- مقدمه

14..... 2-2- نظریه های خانواده

37..... 3-2- دولت مدرن

43..... 4-2- رابطه خانواده و دولت

49..... 5-2- سیاست های دولت و خانواده

51..... 6-2- رابطه تغییرات خانواده با نظریه زیمل

55..... 7-2- چارچوب مفهومی

فصل سوم : روش تحقیق

60..... 1-3- مقدمه

61..... 2-3- روش تحقیق کیفی

64..... 3-3- تحلیل محتوای کیفی

66..... 4-3- روش انجام تحقیق

فصل چهارم : یافته‌های تحقیق

74..... 1-4- مقدمه

74..... 2-4- سیاست گذاری دولت

151..... 3-4- تحلیل آماری خانواده

166..... 4-4- مصاحبه های عمیق

189..... فصل پنجم : نتیجه گیری

فهرست تفصیلی

فصل اول: کلیات

- 1-1- بیان مساله 2
- 2-1- اهمیت و ضرورت تحقیق 5
- 3-1- هدف تحقیق 7
- 4-1- سوالات تحقیق 8
- 5-1- پیشینه تحقیق 8

فصل دوم: مبانی نظری

- 1-2- مقدمه 13
- 2-2- نظریه های خانواده 14
- 1-2-2- کارکردگرایی 14
- 1-1-2-2- امیل دورکیم 14
- 2-1-2-2- تالکوت پارسونز 16
- 3-1-2-2- هلموت شلسکی 19
- 4-1-2-2- رنه گونیک 22
- 2-2-2- پدیدار شناسی 23
- 3-2-2- نظریه های تضادگرا 25
- 1-3-2-2- فریدریش انگلس 26
- 2-3-2-2- ماکس هورکهایمر 28
- 3-3-2-2- هربرت مارکوزه 30
- 4-3-2-2- فمینیسم 31
- 4-2-2- رویکرد پست مدرن به خانواده 32
- 4-2-2- نقد و ارزیابی نظریه های خانواده 35
- 3-2- دولت مدرن 37
- 1-3-2- دولت مدرن در اروپا 37
- 2-3-2- منابع مدرنیسم سیاسی 37

38 3-3-2 دولت مدرن در ایران
43 4-2 رابطه خانواده و دولت
44 1-4-2 ارسطو
44 2-4-2 هگل
46 1-2-4-2 حقوق و مسولیت های فرد در دولت مدرن
47 2-2-4-2 معانی دولت
49 5-2 سیاست های دولت و خانواده
51 6-2 رابطه تغییرات خانواده با نظریه زیمل
51 1-6-2 تغییر و ثبات خانواده
53 2-6-2 زیمل و نظریه فرم ها
55 7-2 چارچوب مفهومی
56 1-7-2 نمونه آرمانی از نگاه ماکس وبر

فصل سوم : روش تحقیق

60 1-3 مقدمه
61 2-3 روش تحقیق کیفی
61 1-2-3 ویژگی های اساسی تحقیق کیفی
62 2-2-3 مقایسه تحلیل کمی و کیفی
64 3-3 تحلیل محتوای کیفی
65 1-3-3 تکنیک های انجام تحلیل محتوا
65 2-3-3 تفسیر متن و کدگذاری
66 4-3 روش انجام تحقیق
66 1-4-3 مطالعه اسنادی و تاریخی
70 2-4-3 مصاحبه های عمیق
71 3-4-3 نمونه گیری

فصل چهارم : یافته های تحقیق

74	1-4-1- مقدمه
74	2-4- سیاست گذاری دولت
75	1-2-4- خانواده از نگاه اسلام
76	2-2-4- ایده های اصلی خانواده در نظر رهبران و مسئولین
76	1-2-2-4- آیت الله خمینی
77	1-1-2-2-4- نقش مادر در تربیت فرزندان
79	2-1-2-2-4- اختیارات زن در ابتدای تشکیل خانواده
79	3-1-2-2-4- مهم ترین شغل مادر
80	4-1-2-2-4- اهمیت تربیت کودکان در خانواده
81	5-1-2-2-4- وظایف پدر و مادر در تربیت کودکان
81	2-2-2-4- شهید مرتضی مطهری
82	1-2-2-2-4- ازدواج موقت در دنیای امروز
83	2-2-2-2-4- ازدواج آزمایشی
83	3-2-2-2-4- ازدواج موقت یک پدیده جهانی
85	4-2-2-2-4- ازدواج موقت در عرف جامعه
86	5-2-2-2-4- مساله باردار شدن زنان در ازدواج موقت
87	3-2-2-4- آیت الله خامنه ای
88	1-3-2-2-4- اهمیت تشکیل خانواده
89	2-3-2-2-4- مساله مهریه
89	3-3-2-2-4- سازش زن و مرد
90	4-3-2-2-4- رابطه جامعه اسلامی با خانواده
91	5-3-2-2-4- نظر اسلام درباره جنسیت
91	6-3-2-2-4- مساله اشتغال زنان
93	7-3-2-2-4- نقش مرد در خانواده
93	8-3-2-2-4- زن در اسلام
95	9-3-2-2-4- همسر داری
96	10-3-2-2-4- قوانین و دولت
97	4-2-2-4- آقای هاشمی رفسنجانی
98	1-4-2-2-4- اهمیت ازدواج
98	2-4-2-2-4- مساله مهریه
98	3-4-2-2-4- ازدواج مجدد

99	4-4-2-2-4-4- الگوسازی برای زنان
99	5-4-2-2-4- خدمات جمهوری اسلامی به زنان
100	3-2-4- چشم اندازهای آینده جمهوری اسلامی درباره خانواده
101	1-3-2-4- رهنمودهای آیت الله خامنه ای
102	2-3-2-4- چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق 1404 هجری شمسی
102	3-3-2-4- سیاست های کلی برنامه پنج سال سوم
102	4-3-2-4- سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه
103	5-3-2-4- سیاست های کلی برنامه پنجم توسعه
103	6-3-2-4- سیاست های کلی نظام در امور «مسکن»
103	7-3-2-4- مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه
104	8-3-2-4- نقشه تحول نظام سلامت جمهوری اسلامی ایران
105	4-2-4- قوانین و مصوبات مجلس
106	1-4-2-4- قانون اساسی
107	2-4-2-4- قانون مدنی خانواده
112	3-4-2-4- لایحه حمایت از خانواده
125	4-4-2-4- اسناد و قوانین مجلس
133	5-2-4- اقدامات دولت
137	6-2-4- جمع بندی
151	3-4- تحلیل آماری خانواده
151	1-3-4- بعد خانواده
152	2-3-4- تعداد خانواده
154	3-3-4- سن ازدواج
155	4-3-4- میزان تولد
160	5-3-4- میزان ازدواج و طلاق
165	6-3-4- جمع بندی
166	4-4- مصاحبه های عمیق
178	1-4-4- جمع بندی
	فصل پنجم: نتیجه گیری
182	1-5- مقدمه

182.....	2-5- سیاست های دولت و خانواده در ایران.....
187	3-5- محدودیت های تحقیق.....
188	4-5- پیشنهاداتی برای آینده.....
191	منابع.....

فهرست شکل‌ها

58.....	شکل (1-2)
68.....	شکل (1-3)
138.....	شکل (1-4)
139.....	شکل (2-4)
140.....	شکل (3-4)
141.....	شکل (4-4)
141.....	شکل (5-4)
142.....	شکل (6-4)
142.....	شکل (7-4)
143.....	شکل (8-4)
143.....	شکل (9-4)
144.....	شکل (10-4)
145.....	شکل (11-4)
146.....	شکل (12-4)
147.....	شکل (13-4)
148.....	شکل (14-4)
179.....	شکل (15-4)
150.....	شکل (16-4)
186.....	شکل (1-5)
187.....	شکل (2-5)

فهرست نمودارها

152.....	نمودار (1-4)
153.....	نمودار (2-4)
154.....	نمودار (3-4)
155.....	نمودار (4-4)
155.....	نمودار (5-4)
156.....	نمودار (6-4)
157.....	نمودار (7-4)
157.....	نمودار (8-4)
158.....	نمودار (9-4)
159.....	نمودار (10-4)
160.....	نمودار (11-4)
161.....	نمودار (12-4)
161.....	نمودار (13-4)
162.....	نمودار (14-4)
163.....	نمودار (15-4)
163.....	نمودار (16-4)
164.....	نمودار (17-4)
165.....	نمودار (18-4)

فهرست جداول

178.....	جدول (1-4)
178.....	جدول (2-4)
179.....	جدول (3-4)
179.....	جدول (4-4)
180.....	جدول (5-4)

فصل اول: کلیات

1-1- بیان مساله

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که ثبات جامعه وابسته به ثبات آن است. کارکردهای خانواده در همه دوره‌ها و زمان‌ها موجب دوام و انسجام ساختار اجتماعی گردیده است. خانواده به‌عنوان یک سیستم اجتماعی همواره تحت تاثیر پویایی‌های درونی خود و پدیده‌ها و شرایط اجتماعی بیرونی قرار داشته است.

خانواده در روند تاریخی خود اشکال و فرم‌های مختلفی به خود گرفته است که هر فرمی از خانواده بازتولید نوعی اجتماع متفاوت را به همراه دارد. واضح است که نهاد خانواده در هر جامعه‌ای متأثر از تاریخ و فرهنگ اجتماعی است که در آن قرار دارد. خانواده در ایران نیز دارای چنین خصوصیتی است. از آنجایی که ایران دارای تاریخی طولانی است پس مطالعه خانواده در هر کدام از دوره‌های تاریخی شکلی خاص به خود می‌گیرد. خانواده همواره نقشی مهم و پررنگ در شکل‌گیری و گسترش فرهنگ و تمدن این سرزمین داشته است و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پابرجاترین نهادهای اجتماعی همواره وجود داشته و ایفای نقش کرده است.

در هر جامعه‌ای همواره دو نهاد مهم وجود دارد که فرد میان این دو نهاد در رفت و آمد است. افراد از لحظه تولد تا مرگ در خانواده به‌سر می‌برند. اما با شکل‌گیری دولت مدرن تاثیر این نهاد نیز در زندگی همه افراد جامعه به وضوح دیده می‌شود. سیاست‌های مختلف دولت‌های مدرن در واقع ساختار کلی هر جامعه‌ای را به‌خوبی نشان می‌دهند. امروزه دولت‌ها در تمام امور زندگی افراد جامعه دخالت کرده و خواهان جهت دادن به آن هستند. یکی از نهادهایی که همواره برای دولت‌های مدرن اهمیت ویژه‌ای دارد، نهاد خانواده است.

دخالت دولت در امر خانواده اهمیت بسیار دارد. اعلام تساوی حقوق مرد و زن و تدوین قانون حمایت از خانواده را باید از جمله این اقدامات دانست. از سال‌ها پیش «تغییراتی از درون» در خانواده بروز کرد و اندک اندک قبول عامه یافت و دخالت دولت نیز در جهت تقویت این گرایش بود. اما هنوز برخی از شکل‌های قدیمی خانواده در برابر این تغییرات مقاومت می‌کنند. در مواردی هم اشکال جدیدی از خانواده در حال شکل‌گیری است، به نظر می‌رسد که دولت خواهان نادیده گرفتن فرم‌های جدید خانوادگی است.

نقش دولت انکارناپذیر است، و جامعه نیز خواهان دخالت آن است. خانواده دیگر امری صرفاً خصوصی تلقی نمی‌شود، هیچ خانواده‌ای نمی‌تواند از این گشایش و دخالت دولت برکنار باشد. این دخالت در سیاست‌های اجتماعی، جمعیتی، فرهنگی و همچنین در اصلاحات قضایی، به‌ویژه در عرصه قانون و مقررات شخصی، جلوه می‌یابد. برنامه‌های مشخص کمک اجتماعی به بعضی از گروه‌های اجتماعی به اجرا درآمده است. این سیاست‌ها در مورد افراد صغیر، زنان و سالخوردگان به‌کار بسته می‌شود. سیاست‌های رشد عموماً بر محور شهروندان

بزرگسال می‌گردد و نه بر محور واحدهای خانوادگی. میزان و شکل دخالت دولت بسیار متفاوت است، اما هدف همه دولت‌ها تدوین سیاست‌های خانوادگی و اجتماعی هر چه کامل‌تر است.

به‌طور کلی، دولت‌ها براساس مسائل سنتی همچون فقر، مسائل مربوط به بهداشت، آموزش و مسکن به بررسی وضعیت خانواده‌ها و مشخص کردن اقدامات خود در این عرصه می‌پردازند. دولت‌ها با پرداختن به این عرصه‌ها، اغلب صریحا یا تلویحا، خانواده‌ها را وامی‌دارند که نظام‌های ارزشی و رفتارهایشان را چنان تغییر دهند که نیازهای خود آن‌ها را هر چه بیش‌تر برآورده سازد.

سیاست‌های دولت در امر خانواده به دو دسته کلی تقسیم‌بندی می‌شود:

دولت در امور خانواده به‌مثابه جمع دخالت می‌کند و با افراد همچون اعضای این جمع برخورد می‌شود. دخالت‌های دولت بیش از هر چیز متوجه جمع خانوادگی است، با این هدف که یگانگی و هم‌بستگی این نهاد حفظ شود. خانواده، بی‌آن که یگانه تکیه‌گاه افراد باشد، همچون نخستین لنگرگاه آنان در جامعه شناخته می‌شود. خانواده باید وظایف بازتولید اجتماعی و زیستی خود را کاملا به انجام رساند. از این نوع دیدگاه دو گرایش سرچشمه می‌گیرد: یکی که محافظه‌کارانه در آرزوی احیای مجدد کارکردهای سنتی خانواده و حفظ تقسیم وظایف جنسی است. دیگری که آزاد اندیشانه است، ضمن این‌که خانواده را نهاد مرکزی سازمان اجتماعی می‌شمارد، به آزادی‌گزینه‌های زناشویی و خانوادگی و تمایل جنسی افراد ارجح می‌نهد. در ایران نیز سند چشم‌انداز توسعه و اهداف و تصمیمات دولت درباره این‌که در آینده خانواده به کدام‌سو برود به این قسمت نزدیک است.

دولت در امور افراد، به مثابه اعضای خانواده، دخالت می‌کند. هدف سیاست‌های دولت این است که وضع حقوق و استقلال افراد را (بر حسب سن یا جنس) بهبود بخشد، از آنان حمایت به‌عمل آورد و بقای اقتصادی‌شان را تضمین کند، به‌گزینه‌های خانوادگی‌شان احترام بگذارد و حتی راه این‌گزینه‌ها را هموار سازد. دیدگاه طرفداری حقوق و آزادی زنان، و همچنین دیدگاه تعدادی از گروه‌های فشار برای بهبود حقوق فرد، به این نگرش نزدیک است. این دیدگاه خانواده را اساس سازمان اجتماعی نمی‌داند، اما خواهان این است که دولت برای کمک به زنان و مردانی که می‌خواهند خانواده تشکیل دهند دخالت کند، بی‌آنکه دیگران را محکوم سازد و یا افراد را در چارچوب خانواده محبوس کند.

بنابراین آنچه روی خواهد داد نه مرگ خانواده، بلکه ناپدید شدن نوعی از خانواده الگویی، سلسله مراتبی و آیینی است. از این پس دیگر برای طبقه‌بندی به ابعاد خانواده کاری نخواهیم داشت، بلکه به ماهیت و کارکردهای

خانواده و مناسبات جدیدش با گروه‌های خویشاندی و جامعه استناد خواهد شد. دولت با سیاست جمعیتی و اجتماعی‌اش و نیز با وضع قوانینی درباره خانواده نقش بیش از پیش مهمی به‌عهده خواهد گرفت. اما افراد نیز درمی‌یابند که در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که جایگاه‌ها و نقش‌های مردان و زنان، حقوق کودک و قوانین زندگی جمعی دست‌خوش تحولی دائمی است.

خانواده با انعطافی که دارد همواره می‌تواند ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی را انتقال دهد و از انسان‌ها در برابر تنهایی، خشونت و خطرهای دیگری که انسان معاصر را تهدید می‌کند، پشتیبانی کند. از این گذشته، خانواده، ضمن این‌که از مدرن‌سازی تاثیر می‌پذیرد، خود نیز خواهد توانست به عاملی برای رشد بدل شود. تحقیقات چند جانبه و بررسی دقیق، شرط‌های لازم برای آگاه شدن به رفتار خانوادگی افراد و پایه‌ای برای هدایت سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی دولت‌ها است.

در ایران نیز دولت به‌عنوان بانی تحولات اجتماعی هم در سطح خرد و هم در سطح کلان، برنامه‌های توسعه و مدرن‌سازی منظمی را طرح‌ریزی کرده است. مناسبات خانوادگی و وظایف این نهاد نیز بخشی از سیاست‌گذاری‌های دولت است. به‌نظر می‌رسد در ایران رابطه روشن و دقیقی میان دولت و خانواده وجود ندارد. طبق بررسی‌های اولیه، سیاست‌های راهبردی دولت و آنچه که دولت می‌خواهد خانواده در آینده به آن سمت برود، طبق دسته‌بندی که در بالا آمده است، جز گروه اول است. یعنی سیاست‌های دولت در راستای حفظ یگانگی و هم‌بستگی نهاد خانواده و تا حدی حفظ کارکردهای سنتی این نهاد است. از طرف دیگر، قوانین و مصوبات تدوین شده به‌نظر می‌رسد جز گروه دوم قرار می‌گیرند. هدف این سیاست‌ها حفظ حقوق فردی و استقلال افراد خانواده است.

رابطه سیاست‌های دولت با واقعیت خانواده مساله‌ای قابل بررسی است. به همین دلیل نمی‌توان به‌صورت قطعی گفت که چه ارتباطی بین این دو نهاد وجود دارد. رابطه این دو نهاد یک فرآیند مدرن است. در گذشته دولت‌ها و حکومت‌ها در زمینه خانواده دخالتی نداشتند و خانواده نیز کارکردهای سنتی خود را داشت. سیاست‌گذاری دولت درباره خانواده در واقع با متمرکز شدن دولت و حرکت ایران به‌سمت مدرنیته آغار شد.

در ابتدا اشاره شد که خانواده نهادی پویا است. به‌نظر می‌رسد پویایی و تغییر این نهاد در سال‌های گذشته سرعت بیشتری به‌خود گرفته است. امروزه ما شاهد شکل‌گیری فرم‌های جدیدی از خانواده هستیم که در گذشته اثری از این موارد نبود. اگر هم وجود داشت، بسیار انگشت‌شمار بودند. سرعت تغییر در خانواده‌ها بسیار زیاد و چشم‌گیر است. به‌طوری‌که حتی تفاوت در فرم و روابط افراد در یک خانواده با خانواده دیگری که به فاصله ده سال بعد از

خانواده اولی شکل گرفته است، کاملاً مشهود است. در شرایطی که جامعه روند طبیعی خود را طی می‌کند و اتفاقات نادر مانند انقلاب یا اصلاحات را تجربه نکرده است، تغییر در این فاصله‌های زمانی، تغییری بسیار سریع به حساب می‌آید. این خود گویای اهمیت مطالعه و تحقیق در این زمینه است.

تحولات خانوادگی در شرایطی در حال اتفاق افتادن است که دولت و سیاست‌های او درباره خانواده تغییرات اندکی کرده است. به عنوان مثال می‌توان به تغییر سیاست‌های جمعیتی دولت نگاهی انداخت. این سیاست‌ها تغییر کرده است و به سیاست‌های دو دهه پیش رسیده است. تغییر در این سیاست‌ها، خود گویای این است که خانواده در حال تجربه کردن تغییراتی جدید است. شاید دولت با بازگشت به سیاست‌های گذشته‌اش می‌خواهد مانع این تغییرات شود.

ایران در سه دهه گذشته تغییرات زیادی را تجربه کرده است. این تغییرات دارای ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. در همه این ابعاد دولت‌ها نقش اساسی داشته‌اند. خانواده نیز مانند هر نهاد دیگری، از تغییرات یاد شده تاثیر پذیرفته است. در این جا به طور مشخص به بررسی تاثیر سیاست‌های دولت بر تغییرات خانواده در این سه دهه اخیر می‌پردازیم.

1-2- اهمیت و ضرورت تحقیق

در پی دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی در غرب و فرآیند مدرن سازی در جهان سوم، نهاد خانواده به پرسش کشیده شده است. به نظر می‌رسد در جوامع صنعتی، خانواده به سوی فروریزی ساختارها و ارزش‌هایش پیش می‌رود. این در حالی که در کشورهای رو به رشد گروه‌های خویشاوندی از هم فرو می‌پاشند، و شکل‌های جدید خانواده با نیازهای جوامعی که دستخوش دگرگونی‌های پر شتاب‌اند، به دشواری منطبق می‌شوند.

در برابر دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی، تغییرات جمعیتی و پیشرفت‌های علمی آتی، خانواده چه آینده‌ای خواهد داشت؟ تحولات خانواده در درون حوزه‌های فرهنگی مختلف چه نتایجی به بار آورده است؟ کدام نیروها با مسائل بزرگی مانند فقر، مواد مخدر، بزه کاری، بی کاری و... به مقابله بر خواهد خواست؟

مسلم است که خانواده به عنوان جایی که افراد جامعه همواره به آن پناه می‌برند و برای آنان محلی برای آرامش است، تنها نهاد مهمی است که از فرد در مقابل ترس‌ها، رنج‌ها و بحران‌های دنیای مدرن حمایت می‌کند. اما این

نهاد حمایت کننده به سرعت در حال تغییر است. نقش حمایتی آن مهم‌ترین کارکرد و شاید به‌نوعی راز پابرجایی او در این دوران است.

در روند شکل‌گیری جامعه‌ی مدرن نهاد خانواده به فضایی که شاکله‌ی اصلی آن روابط عاطفی است تبدیل شده است. کارکردهای سنتی خود را به سایر نهادها واگذار کرده است. بنابراین روابط اجتماعی فرمی متفاوت به‌خود گرفته، به‌طوری که اصول جامعه‌ی مدرن تعیین کننده‌ی روابط افراد در خانواده است. اگر در گذشته ساختارهای خویشاوندی و طایفه‌ای با همگن کردن اجتماع انسجام آن را حفظ می‌کردند، امروزه جامعه‌ی مدرن انسجام اجتماعی را با وجود تکثرها و فردیت‌های متنوع حفظ می‌کند.

آن‌چه باعث می‌شود جامعه مدرن بتواند انسجام خود را حفظ کند، دولت است. دولت‌ها از طریق سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی انسجام اجتماعی را رفع کرده و بحران‌های دنیای مدرن را مدیریت می‌کنند. دولت مدرن به‌واسطه قدرت سیاسی و اجتماعی که دارد، توانسته در تمام ابعاد زندگی نفوذ کند و با توجه به نیازهای مردم و واقعیت‌های اجتماعی پاسخ‌گوی مسائل دنیای پرتحرک مدرن باشد.

اهمیت بررسی این مساله در ایران بیشتر است. زیرا ما با مسائل و ادعاهایی در جامعه خود روبه‌رو می‌شویم که ضرورت مطالعات بیشتر در زمینه‌های اجتماعی را نشان می‌دهند. ما بارها شنیده‌ایم که "خانواده در حال بحران است."، "هر روز بر تعداد کسانی که طلاق می‌گیرند اضافه می‌شود."، "خانواده ایرانی کارکردهای خود را از دست داده است و به‌شدت تحت فشارهای مالی قرار دارد." در تلویزیون یا روزنامه‌ها بارها درباره خشونت‌های خانواده و رویه سیاه این نهاد می‌بینیم و می‌خوانیم. همه این‌ها نمایان‌گر این است که خانواده در ایران در حال تجربه مسائل جدیدی است. این مسائل جدید به‌نظر مبهم می‌رسد. به این دلیل که هیچ‌کدام پایه علمی ندارند و همه این‌ها براساس تجربیات شخصی یا مشاهدات سطحی و جنجال‌های ژورنالیستی بیان می‌شوند.

آن‌چه در این‌جا اهمیت دارد این است که دولت همیشه این ادعا را داشته که برای خانواده اهمیت زیادی قائل است. با وجود این ادعا قوانین دولت تا چه اندازه در تحولات خانواده موثر بوده است؟ دولت از طریق قوانین موجود و یا اصلاح قوانینی که از قبل وجود داشته است، تصور خود را از خانواده بیان می‌کند. این تصور اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا دولت به‌عنوان نهاد قدرت می‌تواند بحران‌های خانواده را کنترل کند. هر چند رابطه این دو نهاد رابطه‌ای دو سویه است. با این تفاوت که دولت برای همه تصمیماتش پشتوانه قانونی دارد که نهادهای دیگر ندارند. بنابراین نفوذ دولت در نهاد خانواده سریع‌تر و راحت‌تر به‌نظر می‌رسد.